

دکتر فرشیدورد استاد دانشگاه تهران، درباره

دستور زبان فارسی

سخن می گوید:



درباره دکتر خسرو فرشیدورد:

* استاد دانشمند و شاعر ارزنده معاصر دکتر خسرو فرشیدورد در سال ۱۳۰۸ در ملایر متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسط را در ملایر و تهران پایان رسانید و وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرد و در سال ۱۳۴۲ در رشته زبان و ادبیات فارسی دکتر شد.

* از سال ۱۳۴۳ در دانشگاه اصفهان تدریس کرد و در سال ۱۳۴۷ به دانشگاه تهران آمد و از آن زمان تا بحال در دانشکده ادبیات و علوم انسانی در رشته دستور زبان فارسی و نقد شعر و متون فارسی تدریس می کند. دکتر فرشیدورد به زبانهای: عربی و فرانسه و فارسی تسلط دارد و با زبان انگلیسی و زبانهای پهلوی و اوستا و فارسی باستان آشنائی زیادی دارد.

* دکتر فرشیدورد تا بحال مقالات زیاد و سنگینی در نشریات دانشگاهی و مطبوعات سنگین کشور نوشته است، علاوه بر این مقالات کتابهای متعددی تألیف کرده است که عبارتند از:

- ۱- عربی در فارسی (۱۳۴۲)
- ۲- پیوند در زبان فارسی (۱۳۴۵)
- ۳- وجه فعل در فارسی معاصر
- ۴- دستور تاریخی زبان فارسی (تحول فعلهای شبه‌معین از زبان پهلوی تا کنون)
- ۵- نقد شعر فارسی
- ۶- دستور امروز (شامل پژوهشهای تازه‌ای در صرف و نحو فارسی معاصر) و دوسه کتاب دیگر...

* دکتر فرشیدورد از چهره‌های برجسته ادبیات معاصر و از محققان و استادان باارزش ایران است و در زمینه شعر نیز غزلیات نو و برجسته‌ای دارد که از هر حیث قابل توجه و ارزش‌مند است.

فوائد آن و کتابهای دستور زبان که تا بحال چاپ شده‌اند. خوب، آقای دکتر از مسأله اول شروع کنیم چرا دستور زبان در بین خواص مانده و بمیان مردم نرفته است؟ و چه باید کرد که دستور از میان خواص خارج شود؟

دکتر فرشید ورد:

دانشگاه که مجله شما به مسائل زبان و ادبیات فارسی که از سرمایه‌های مهم فرهنگی ماست توجه عمیق دارد جای خوشحالی است در باره اینکه باید چکار کنیم که دستور زبان فارسی، از بین خواص خارج شود و در بین عوام هم رایج گردد، این امری است مربوط به تعلیم و تربیت و باید در باره آن یک تحقیق تربیتی بعمل آید.

باید دستورهائی به زبان بسیار ساده نوشته شود که در دبستانها و دبیرستانها تدریس گردد و چنین دستورهائی راحتی از وسائط ارتباطی جمعی مانند: مطبوعات

نویسنده مجله هفت هنر: - آقای دکتر خسرو فرشیدورد این فرصت مغتنمی است که بنشینیم و بحثی کنیم در زمینه مسائل ادبی، با توجه باینکه سالهای زیادی است که شما در باره «دستور زبان فارسی» مشغول تحقیق و تتبع هستید و در این زمینه چند جلد کتاب هم نوشته‌اید من مسأله

مسائل و موقعیت گوناگونی دستور زبان فارسی را در این جا عنوان می‌کنم تا در باره اش به بحث بپردازیم. برآورد علم انسانها همچنانکه میدانید دستور زبان بیشتر جنبه تخصصی و فنی دارد و باین سبب در میان خواص مانده و بین مردم و قشرهای جامعه رواج و اشاعه پیدا نکرده است و بعبارت دیگر هنوز بمیان مردم نرفته است بهتر است در آغاز این بحث این مسأله را روشن کنیم که این امر چه عللی دارد و بپردازیم به مسائل دیگر زبان فارسی از جمله سیر و تحول و تطور آن و همچنین

وراديو و تلويزيون هم مي توان به مردم
عرضه كرد

در مورد اينكه چرا دستور زبان
بيشتر در بين خواص است به اين دليل است
كه بصورت كنوني جنبه علمي و فني آن قويتر
است و داراي مفاهيم علمي و اصطلاحات
خاصي است كه فعلا در بين همه مردم رايج
نشده است

علت ديگر اين است كه تحقيقات
دستوري ما كامل نيست اگر بيست تن استاد
از حالا بنشينند و صرفا روي دستور كار كنند
ممکن است كه ما بيست سال ديگر بتوانيم
دستورهائي نظير آنچه انگليسيها و
فرانسويها دارند، داشته باشيم بنا بر اين
آن چيزي كه بصورت علمي و صحيح اش اصلا
وجود ندارد - نه در بين مردم و نه در بين
اهل فن - چطور مي توان توقع داشت كه در
اين همه قشرهاي جامعه اشاعه يابد

به اختصار در جواب اين سؤال
دقيق شما بايد گفت كه براي دستور زبان،
ما بايد دو كار انجام دهيم . يكي همان
پژوهشهاي فني است و آن عبارت از اين
است كه قواعد دستور را درست و صحيح
تدوين كنيم كه متاسفانه تا بحال در اين كار
پيشرفت زيادي نكرده ايم.

يكي ديگر اينكه بعد از انجام اين
كار بايد براي آن قواعدی كه تدوين شده
يك تحقيق تربيتي بعمل آيد كه در اين
امر معلمان فارسي و معلمان تعليم و تربيت با هم
همكاري كنند به منظور اينكه اين قواعد
را در ميان قشرهاي مختلف مردم بپرند و

براي تعليم اين قواعد از وسائلي ارتباط جمعي
نيز كمك بگيرند.

نويسنده :- در اینجا اين مسأله
عنوان مي شود كه چرا اصطلاحات دستوري
جنبه فني دارند؟ مثلا اصطلاح قيد. و چرا
اين اصطلاحات مشكلند؟ علل كدامند؟

دكتر فرشيد ورد: - البته
اصطلاحات هر علم يافني يكي از مشكلات
آن محسوب مي شود ولي اصل موضوع
خود آن علم است. موضوع دستور زبان
فارسي يك علم است و تحقيق و تعليم آن كار
دشواري است.

شايد به دشواري فيزيك و رياضي
نباشد ولي بهر حال در حد خودش دشوار
است .

براي اينكه تعاريف بسيار دقيقی
در دستور وجود دارد و فهميدن اين تعاريف
مستلزم آوردن مثالهاي فراوان و
محتاج صرف وقت زياد است و اين صرف
وقت، مسأله مهمي است بخصوص كه در
تعليم دستور زبان به اين نكته توجه نشده
يعني به : تمرين و صرف وقت.

اکثر شاگردان فقط قواعد را حفظ
مي کنند و به آنها ياد داده نمی شود كه بتوانند
از قواعد در عمل هم استفاده بکنند و به آنها
آموخته نمی شود كه دستور را از راه تمرين
ياد بگيرند و بفهمند.

مثلا شاگردان ياد مي گيرند كه فاعل به
كننده كار دلالت مي كند ولي همان فاعل را
عملا در جمله نمی توانند پيدا كنند.

این امر در اثر عدم تمرین است. بهر حال مشکل عمده یاد گرفتن دستور زبان فارسی، همان وقت صرف کردن برای تمرین است. چون آموختن دستور کار عملی است و واضح است که در روزگار ما با این همه گرفتاری که مردم دارند تامین چنین وقتی برایشان کار دشواری است و این است که همیشه این مشکل - تازمانی که مردم وقت ندارند - وجود خواهد داشت.

فقط اندکی میشود از راههای تربیتی و روانشناسی در آسان کردن این قواعد به مردم کمک کرد.

ولی در هر حال اگر کسی برای انجام دادن تمرینهای مربوطه وقت نداشته باشد آن راههای آسان هم به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

نویسنده: - همانطور که می دانید، دستور زبان پیوند ناگسستنی با زبان فارسی دارد و اگر دستور این زبان با چنین مشکلاتی مواجه باشد چه زیانهایی به زبان فارسی وارد می کند؟ و بطور کلی در سرنوشت زبان فارسی چه تأثیری دارد؟

دکتر فرشید ورد، - «سؤال خیلی خوبی است. این سؤال را بصورت دیگری میتوان طرح کرد و آن این است که بگوئیم. اصلاً فایده دستور زبان فارسی چیست؟

در باره فایده دستور زبان فارسی گذشتگان مبالغه کرده اند. از جمله در تعریف دستور زبان می گویند که «فنی است که درست گفتن و درست نوشتن را به ما می آموزد» ولی این تعریف درست نیست بدلیل اینکه کسانی داریم که پیش از بوجود آمدن دستور فارسی شعر خوب می گفته اند و یا

نوشته های بسیار زیبا و پاکیزه ای داشته اند (مثل: حافظ، سعدی، بیهقی) آری آنان، بدون دستور آنطور خوب نوشته یا شعر سروده اند.

بنابراین ما اگر فکر کنیم که دستور زبان فارسی وسیله درست گفتن و درست نوشتن است مبالغه کرده ایم.

اما میتوانیم این تعریف را اینطور تصحیح کنیم که دستور زبان فارسی مجموعه قواعد زبان است که به درست گفتن و درست نوشتن هم می تواند کمک کند.

من جمله ای در مقدمه کتاب خودم (دستور امروز) در مورد رابطه زبان و زبان - آموزی نوشته ام که بدینست آنرا در اینجا نقل کنم و آن جمله این است:

«هر چه آشنائی فردی با زبانی بیشتر باشد به دستور آن زبان کمتر احتیاج دارد و هر چه آشنائی فردی با زبانی کمتر باشد به دستور آن زبان بیشتر احتیاج دارد».

بنابراین ما برای یاد گرفتن زبان فرانسه و انگلیسی یا آلمانی، بیشتر به دستور آن زبانها احتیاج داریم تا به دستور زبان فارسی. معنای اینست که از دستور فارسی بی نیاز باشد و در روزگار ما که مردم آشنائی زیادی با دستور زبان فارسی ندارند لطمه ای - به آن صورت که فکر می کنید - به زبان فارسی وارد نمی آورد خوب نوشتن خوب شعر سرودن و خوب تکلم کردن بیشتر تابع دواصل است. یعنی داشتن استعداد و دیگری تمرین زیاد. اما در یک مورد ممکن است که نقش دستور بسیار مهم باشد و آن در مورد ترجمه است.

دستور زبان میتواند به مترجمان کمک زیادی بکند. چون یکی از کارهای مترجم این

است که لغات عام یا اصطلاحات جدید علمی و هنری و ادبی را از زبانی دیگر به فارسی برگرداند و لغاتی که میسازد کاملاً درست و مطابق نمونه‌های رایج زبان باشد.

برای کمک به این امر، مبحث کلمات مرکب در دستور، کمک فراوانی به مترجم میکند و هر مترجم و اصطلاح‌سازی باید این مبحث را خوب بداند.

مثلاً بدانند که اسم فاعل زبان فرانسه را به چند صورت ممکن است بفارسی برگرداند مثلاً بدانند که اسم فاعل باید بصورت همان اسم فاعل ترجمه شود یا بصورت نسبی و یا ممکن است بایک جمله ترجمه گردد و این مسأله از نظر مترجم بسیار مهم است.

نویسنده: - دستور زبان، فواید دیگری هم دارد، بهتر است راجع به فواید دیگر آن هم صحبت کنید بخصوص در مورد نقد ادبی.

دکتر فرشیدورد:

دستور زبان علاوه بر فوایدی که ذکر کردم فواید دیگری هم دارد.

یکی دیگر از فواید دستور زبان این است که ما میتوانیم برای نقد شعر و بطور کلی نقد ادبی از آن استفاده بکنیم، چون شعر و ادبیات بخشی از زبان است. مثال جامع علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
یکی از مسائل مهم ادبیات و شعر، مسأله فصاحت است. مخصوصاً در ادبیات درسی و قدیم، ما که مسأله فصاحت خیلی مهم بوده و در نقد شعر گذشته ایران مسأله فصاحت بسیار مورد توجه بوده است.

البته در غرب عده‌ای هستند که میگویند ادبیات و اثر ادبی لازم نیست فصیح باشد و حتی عده‌ای طرفدار شعر و اثر ادبی مبهم هستند و این مسأله با معیارهای نقد ادبی قدیم ما منطبق نیست.

چون در قدیم یکی از عیب‌های شعر و هر اثر ادبی این بود که آن اثر فصیح نباشد و از جمله می‌گفته‌اند که تعقید و مغایرت نوشته ادبی با قواعد زبان یکی از عیوب فصاحت است حالا که بعضی‌ها می‌گویند که تعقید خوب است و اثر ساده و قابل فهم نمیتواند اثر ادبی خوبی باشد. البته این یک بحث قطعی نیست منصفانه‌تر این است که بگوئیم بعضی از اشعار و آثار ادبی مبهم زیبا هستند (مثل بعضی از اشعار حافظ) و بعضی از آثار ادبی مبهم هم زیبا نیستند (مثل بعضی از اشعار سبک‌هندی) و همین‌طور معتقد شویم که بسیاری از اشعار روان و فصیح زیبا هستند.

در قدیم برای تعریف فصاحت چند معیار وجود داشته: یکی اینکه لغات نامأنوس و غریب توی شعر و اثر ادبی نباشد و عجیب اینکه امروز مثلاً شاعری در شعرش لغات شعر متوجه‌ری یا فرخی سیستانی را یا اصطلاحات دستوری آن دوره را مانند **چونانکه** بکار میبرد.

این کار با معیارهای قدیم فصاحت منطبق نیست. چون امروز مردم ایران چونانکه را به معنی چنانکه بکار نمیبرند. یکی دیگر از عوامل مهم فصاحت این بوده که میبایست شعر و ادبیات با قواعد دستوری منطبق باشد و ساختمانهای شعری میبایست منطبق با ساختمانهای زبان باشد باین سبب اگر شاعر مطابق فعل و فاعل یا قواعد مربوط به ارتباط صفت و موصوف را در قدیم مراعات نمیکرد به شعرش ایراد می‌گرفتند و شعرش را از جرگه اشعار خوب خارج میکردند.

پس لااقل برای نقد شعر قدیم، یکی از راه‌ها این است که ما بفهمیم که آیا آنها فصیح هستند یا نه؟ یعنی اینکه ساختمان

دستوری آن اشعار با ساختمان زبان عصر شاعر بطور کلی ، منطبق هست یا نه !
ما وقتیکه ساختمان زبان دوران شاعر را در دست نداریم و در باره آن تحقیق نکرده ایم از کجا می توانیم قضاوت بکنیم که مثلاً ساختمان دستوری شعر او با ساختمان دستوری زبان و دوره خودش منطبق است یا نه ؟
مثلاً فردوسی می گوید :

کنون خورد باید می خوشگوار
که می بوی مشک آید از جویبار
در این بیت می بینیم که بجای «می آید» فردوسی گفته «که می بوی مشک آید» بین «می» و «آید» کلماتی را فاصله آورده و ممکن است که بگوئیم فردوسی برای خاطر وزن شعر این کار را کرده است و در نتیجه میتوانیم به شعرش از لحاظ فصاحت و روانی ایراد بگیریم ولی وقتی که نثر آن دوره را مطالعه می کنیم می بینیم که در تاریخ بلعمی هم گاهی بین می و فعل فاصله می افتاده و در اینجا میتوانیم حکم بکنیم که قواعد فصاحت کاملاً در مورد شعر فردوسی صادق است و شعر او مطابق نمونه های دستوری زبان است .

یکی از راههای تشخیص فصاحت شعر مخصوصاً در قدیم ، این است که مادستور آن دوره را بدانیم و بعد شعر شعرا را منطبق بر قواعد دستوری کنیم .

اگر دیدیم که شاعر ساختمان دستوری را زیاد بر هم زده . میتوانیم بگوئیم که اثر او با معیارهای قدیم چندان فصیح نیست ، یا اینکه گاهی متوجه می شویم که شاعر با اینکه ساختمان دستوری زبان رایج را به هم می زند و ساختمان دستوری تازه ای را بکار می برد باز هم در شعر او ابداع و زیبایی دیده می شود در اینجا نتیجه می گیریم که شاعر می تواند گاهی يك ساختمان دستوری به زبان تحمیل کند .

در هر حال اینها مستلزم تحقیق است .
نویسنده : - «حالا بهتر است در

باره سیر و تحول و تطور دستور نویسی معاصر حرف بزنیم و روشن کنیم که دستور نویسی از کدام زمان شروع شده و چه تحولی یافته است و بخصوص بپردازیم به این مسأله که آیا قوانین دقیق و علمی آئین تحقیق در نوشتن این دستورها رعایت شده اند یا نه و اینکه بطور کلی دستور نویسی چه موقعیتی داشته و دارد .

دکتر فرشید ورد : - «دستور ، بصورت يك علم مدون سابقه اش در زبان فارسی خیلی کم است ولی بصورت قواعد پراکنده در آثار و تحقیقات دیگر دیده می شود مثلاً در کتاب : «المعجم ...» که درباره نقد شعر است در جائی که میخواهد در باره قافیه بحث کند يك مقدار مباحث دستوری را عنوان می کند .

مثلاً وقتی می خواهد بگوید که دو تا الف و نون جمع با هم قافیه نمی شوند این يك مسأله دستوری است ،

یا الف صفت مشبیه (مثل بینا و دانا) با هم قافیه نمی شوند ، این خودش خواه و ناخواه يك مقدار مسائل دستوری را طرح می کند .

در مقدمه فرهنگها ، فرهنگ نویسان هم يك مقدار قواعد دستوری را بیان کرده اند .

امادستور بصورت يك علم مدون از دوران اخیر شکل گرفته و مثلاً «نهج الادب» یکی از اولین کتابهای جامع دستوری است که به تقلید از صرف و نحو عربی ، برای زبان فارسی نوشته شده است .

دیگر ، میرزا ، حبیب اصفهانی یکی از نخستین کسانی است که به دستور

زبان فارسی توجه کرده و با نوشتن کتاب «دستور سخن» خود را در شمار بنیانگذاران دستور زبان فارسی کرده است. او در اسلامبول بوده و در آنجا با دستور زبان های فرنگی آشنا شده بود و بر اساس نمونه های دستور نویسی غربی، دستور نوشته است.

دستورهائی که تا کنون نوشته شده - با اینکه پیشرفتی در این زمینه حاصل شده - همه کم و بیش دارای نقائصی هستند البته دستور زیاد نوشته شده و نزدیک پانصد کتاب دستور و رساله دستوری در عرض همین پنجاه شصت سال اخیر نوشته شده ، اما از میان این کتب ، آنهائی که شرایط تحقیق در شان جمع باشد بسیار نیست

مخصوصاً در میان دستورهائی که در ایران نوشته شده ، آنهائی که ارزش واقعی دارند و دارای اصالتی هستند ، زیاد نیستند ، نویسنده : - پس تکلیف دیگران

چه میشود ؟

آنهائی که دستور نوشته اند ؟ چگونه نوشته اند این دستورها ؟

دکتر فرشید ورد : - «متأسفانه

به بسیاری از این کتابها نمیتوان نام تألیف داد چون بعضی از اینها اقتباس صرف از دستور

های دیگر است .

یعنی مطالب دیگران را با تغییراتی جزئی گرفته اند و نقل کرده اند و بجای نام صاحب اصلی اثر ، نام خود را در پشت جلد کتاب نوشته اند . البته این دستبرد زدن به تحقیقات و کارهای دیگران بدون نام و بدون ادای حق آنها از قدیم هم در کارهای ادبی سابقه داشته چه در شعر و چه در فلسفه و چه در علوم مثلاً فلسفه نویسان بعد از ابن سینا آثار او را بدون ذکر مأخذ بنام خودشان می نوشته اند . همینطور در شعر ، دهها نفر از خمسه نظامی تقلید کرده اند . بطور کلی اکثر این دستورهائی که در ایران نوشته شده ، بیشتر اقتباس از یکدیگر است بدون ذکر مأخذ و این کاری است که باید از آن جلوگیری شود و البته این امر هم تابع امر کلی دیگری است که تا آن حل نشود ، این نیز حل نخواهد شد و آن بی توجهی به امانت و بی خبری از آئین تحقیق است .

بازی ما باید جلو دستبرد زدن به آثار دیگران را در تمام زمینه ها بگیریم و محققان خودمان را عادت بدهیم وقتی مطلبی را از جایی برمی دارند مأخذ آنرا ذکر کنند و مطالب را بنام خودشان چاپ نکنند .